

A Tough Cookie: 4 Idioms to Describe Character

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

have a heart of gold

قلبی از طلا داشتن · بسیار مهربان و بخشنده بودن

DEF

To be extremely kind, caring and generous.

A warm, strongly positive idiom. It often contrasts a person's kind nature with a serious appearance, direct manner or difficult circumstances.

FA

بسیار مهربان، دلسوز و بخشنده بودن.

اصطلاحی گرم و کاملاً مثبت است. اغلب مهربانی فرد را در برابر ظاهر جدی، رفتار مستقیم یا شرایط دشوار او قرار می‌دهد.

Maya has a heart of gold and always helps people who are struggling.

مایا قلبی از طلا دارد و همیشه به کسانی که در سختی هستند کمک می‌کند.

Our neighbour has a heart of gold and checks on everyone during winter.

همسایه ما قلبی از طلا دارد و در زمستان به همه سر می‌زند.

2

a tough cookie

آدم جان‌سخت · فرد مقاوم و قوی

DEF

A strong, resilient person who handles difficulty well.

Informal and usually approving. It can describe physical toughness, determination or emotional strength; context decides the exact emphasis.

FA

فردی قوی و تاب‌آور که با سختی‌ها خوب کنار می‌آید.

غیررسمی و معمولاً تحسین‌آمیز است. می‌تواند به سرسختی جسمی، اراده یا قدرت عاطفی اشاره کند و موقعیت، تأکید دقیق را مشخص می‌کند.

After everything she has experienced, she is still a tough cookie.

با وجود همه چیزهایی که تجربه کرده، هنوز آدم بسیار مقاومی است.

You need to be a tough cookie in that demanding job.

برای آن شغل سخت باید آدم جان‌سختی باشی.

3

an open book

مثل کتاب باز بودن · فردی شفاف و خوانا بودن

DEF

A person whose thoughts and feelings are easy to understand.

It suggests emotional transparency, not that the person reveals every private detail. The common pattern is be an open book; a face can also be an open book.

FA

فردی که درک افکار و احساساتش آسان است.

عبارت شفافیت عاطفی را می‌رساند، نه اینکه فرد همه جزئیات خصوصی را فاش کند. الگوی رایج **be an open book** است و چهره نیز می‌تواند **an open book** باشد.

Ask me anything; I am an open book.

هرچه می‌خواهی بپرس؛ من مثل کتاب باز هستم.

His face is an open book, so I knew he was disappointed.

چهره‌اش مثل کتاب باز است، پس فهمیدم ناامید شده.



4

a dark horse

پدیده غیرمنتظره • رقیب ناشناخته و موفق

DEF

A person with unexpected abilities or an unexpected chance of success.

Common in competitions, elections and group projects. It focuses on hidden or underestimated potential, not necessarily secrecy or dishonesty.

FA

فردی با توانایی‌های غیرمنتظره یا شانس غیرمنتظره موفقیت.

در رقابت‌ها، انتخابات و پروژه‌های گروهی رایج است. بر توانایی پنهان یا دست‌کم‌گرفته‌شده تأکید دارد، نه لزوماً پنهان‌کاری یا نادرستی.

Nobody expected her to reach the final, but she became the dark horse of the tournament.

هیچ‌کس انتظار نداشت به فینال برسد، اما به پدیده غیرمنتظره مسابقات تبدیل شد.

Amir was the dark horse of the team and designed the best poster.

امیر پدیده غیرمنتظره تیم بود و بهترین پوستر را طراحی کرد.

5

resilient

تاب‌آور • مقاوم و سازگار

DEF

Able to recover, adapt and continue after difficulty or stress.

Stronger than simply strong: resilient highlights recovery and adaptation after pressure, failure or change.

FA

توانا در بازیابی، سازگاری و ادامه‌دادن پس از سختی یا فشار.

از strong دقیق‌تر است: resilient بر بازیابی و سازگاری پس از فشار، شکست یا تغییر تأکید می‌کند.

Daniel stayed resilient when the outdoor event went wrong.

وقتی رویداد فضای باز به مشکل خورد، دانیل تاب‌آور ماند.

She is resilient enough to rebuild after a difficult year.

او آن‌قدر تاب‌آور است که پس از سالی سخت دوباره خودش را بسازد.

6

determined

مصمم • بااراده

DEF

Firmly decided to achieve something and unwilling to give up.

Determined describes purposeful persistence. It is usually positive, while stubborn suggests refusing to change even when change would be sensible.

FA

قاطعانه تصمیم‌گرفته برای رسیدن به چیزی و نخواستن تسلیم‌شدن.

Determined بر نپذیرفتن تغییر حتی در زمان منطقی بودن آن دلالت دارد stubborn پافشاری هدفمند را توصیف می‌کند و معمولاً مثبت است، در حالی که Determined

He remained determined throughout his difficult recovery.

او در تمام دوران بهبودی دشواریش مصمم ماند.

She is determined to finish the project before Friday.

او مصمم است پروژه را پیش از جمعه تمام کند.

7

easy to read

احساساتش به راحتی قابل فهم است • به راحتی می‌توان او را شناخت

DEF

Easy to understand from someone's expression, behaviour or emotional reactions.

With people, read means interpret rather than literally read words. It often refers to emotions that are visible on someone's face.

FA

فهمیدن فرد از روی حالت چهره، رفتار یا واکنش‌های عاطفی او آسان است.

برای افراد، read به معنای تفسیرکردن است نه خواندن واژه‌ها. اغلب به احساساتی اشاره دارد که در چهره کسی دیده می‌شود.

Eva is easy to read because her face shows every emotion.

فهمیدن احساسات او آسان است، چون چهره‌اش همه احساساتش را نشان می‌دهد.

He tries to hide his disappointment, but he is easy to read.

او سعی می‌کند ناامیدی‌اش را پنهان کند، اما احساساتش به راحتی قابل فهم است.



8

unexpected potential

توانایی بالقوه غیرمنتظره • استعداد پیش‌بینی نشده

DEF

Abilities or future possibilities that other people did not know about or predict.

Potential points to what someone may be able to achieve, not only what they have already done. Unexpected highlights surprise rather than luck.

FA

توانایی‌ها یا امکان‌های آینده‌ای که دیگران از آن‌ها خبر نداشتند یا پیش‌بینی نکرده بودند.

بر غافلگیری تأکید دارد نه صرفاً شانس Unexpected. به چیزی اشاره دارد که فرد شاید در آینده به آن دست یابد، نه فقط کاری که پیش‌تر انجام داده است Potential. *The competition revealed her unexpected potential as a designer.*

مسابقه توانایی بالقوه غیرمنتظره او را به‌عنوان طراح نشان داد.

A dark horse often succeeds because other people overlook their unexpected potential.

یک پدیده غیرمنتظره اغلب موفق می‌شود، چون دیگران استعداد پنهان او را نادیده می‌گیرند.

